



To live a creative life, we must lose our fear of being wrong

دیپرسٹان غیر دولتی مدبران

سال تحصیل ۹۷-۹۸

ایستگاه اول: پدر و مادرانه

عرض سلام دارم خدمت پدر و مادر های همراه مدبران. بر خود لازم دیدم قبل از هر چیز، از این که در ایجاد شرایط مناسب برای دلپندانتان ما را همراهی می فرمایید، کمال تشکر را به جا آورم و ادای احترام خود را به شما والدین فهیم ابراز نمایم.

این هفته با محرمانه به یاد آوری نکاتی می پردازیم که والدین می توانند به کمک این نکات، به بهبود تحصیلی دانش آموز جان کمک کنند.

۱- از معلم فرزندان با احترام نام ببرید، ضعف درسی فرزندان را به گردن معلم او نیندازید. هر چه ارزش معلم برای دانش آموز بیشتر باشد یادگیری او بهتر است.

۲- طوری رفتار کنید که فرزندان خود را در سطح متوسط سایر افراد جامعه تصور کند، احساس بالاتر یا پایین تر بودن نسبت به سایر افراد جامعه مانع تلاش و پیشرفت می شود.

۳- از مقایسه کردن فرزندان با دیگران جدا بپرهیزید. مخصوصاً مقایسه دختران با پسران کار بسیار اشتباهی است.

۴- محبت افراطی نیز مانند سخت گیری افراطی مانع پیشرفت فرزندان می شود.

۵- هدر دهنده های اوقات فراغت فرزندان را بشناسید و آن ها را کنترل کنید.

۶- به فرزندان کمک کنید تا خود را از افراد لایق بدانند و کاری کنید که از خودشان تصور مثبتی داشته باشند.

۷- به فرزندان پرسش گری یاد بدهید. آنان برای یادگیری باید سوال کنند. آن ها احتیاج به پاسخ دارند با حوصله با آنان سخن بگویید و به بحث و تبادل نظر با آنان بپردازید.

۸- زیاد به فرزندان تذکر ندهید و با آن ها بگو مگو نکنید.

۹- مطالعه و یادگیری نیاز به محیط آرام دارد. از مطرح کردن مشکلات جلوی فرزندان خودداری نمایید.

۱۰- فرزندان را امیدوار کنید. به جای این که ضعف ها و شکست های آنان را برایشان یادآور شوید، توانایی ها، پیشرفت ها، و موفقیت های آنان را مطرح کنید.

۱۱- به فرزندان به اندازه تلاش و کوشش آنان پاداش بدهید نه به اندازه نمره ای که می گیرند.

۱۲- به فرزندان فرصت بدهید تا میزانی از سختی و مشکلات را درک کند. به عبارتی دیگر همیشه لقمه در دهان او نگذارید تا خانه به تنبیل خانه تبدیل نشود!

۱۳- درس خواندن را به خاطر ارزش علم و دانش مهم بدانید، نه فقط به عنوان وسیله ای برای انتخاب شغل و کسب درآمد.

ایستگاه دوم : قهرمانان روز حساب

ی سلام مخصوص ستاره های پایه

قهرمان هایی که این چند ماه کلییییییییی تلاش کردن و قدم های بزرگ و کوچیک برداشتن تا به بهترین خودشون نزدیک تر بشن خواستم این دفعه این جوری ازت تشکر کنم

خداقوت قهرمان زندگی به پاس تک تک قدم هایی که تا الان برای بهتر شدن برداشتی و راهی که شروع کردی برای تأثیر گذاری و ساختن آینده ات و بدون که کلی دوست دارم و به حضورت افتخار می کنم قهرمان جان



ایستگاه سوم: روان‌شناسانه

سلام به دخترای ماه مدبران... حالتون چطوره تو این روزای خوشگل پاییزی؟! خیلی مواظب خودتون باشید فرشته های من... امیدوارم

همیشه سر حال و سلامت بینیمتون 

هفته ی پیش راجع به تفکر خلاق با هم صحبت کردیم و امروز می‌خوایم راجع به نوع دیگه ای از تفکر، یعنی **تفکر انتقادی** صحبت کنیم!!!

این نوع تفکر کامل کننده ی تفکر خلاق و یچورایی کامل کننده ی فرایند فکر کردنمه!

تفکر انتقادی یک فرایند شناختی فعال، هدفمند و سازمان یافته هست که با استفاده از اون به بررسی افکار و عقاید خودمون و دیگران می‌پردازیم و به فهم روشن تر و بهتری می‌رسیم. تفکر انتقادی نیاز به استفاده فعال از هوش، دانش و توانایی‌ها برای مقابله مؤثر با موقعیت‌های زندگی هست. در تفکر فعال وقتی فرد با یک موقعیت تصمیم گیری و انتخاب مواجه میشه، فعالانه به جمع آوری اطلاعات می‌پردازه، امکان‌ها و احتمالات مختلف رو بررسی می‌کنه، با افراد باتجربه و متخصص مشورت میکنه و بعد درباره تمامی این موارد به تفکر انتقادی می‌پردازه. همچنین یکی از ابعاد مهم تفکر انتقادی، بررسی دقیق موقعیت‌ها با پرسیدن سوالات مناسب و مربوط هست که باعث می‌شه درک بیشتری نسبت به دنیا پیدا کرده و تصمیم‌های آگاهانه تری بگیریم. همچنین باید به منبع اصلی عقاید و نظرات پی برد که شامل مراجع قدرت، کتب، شواهد حقیقی و تجربه شخصی هست و بعد به ارزیابی اعتبار این منابع پرداخته. یکی از فعالیت‌های مهم توی تفکر انتقادی، گوش کردن به نظرات دیگران و ایده‌های جدید و ارزیابی اون‌هاست. کسانی که تفکر انتقادی دارند، نسبت به تجارب جدید پذیرا بوده و در صورت وجود شواهد و دلایل منطقی، انعطاف پذیری لازم رو برای تغییر و اصلاح ایده‌های خودشون دارند. بنابراین ترکیب دو توانایی مشاهده موقعیت‌ها از نقطه نظر دیگران و بررسی دلایل و شواهد نقطه نظرات مختلف به فهم کامل تر و بینش عمیق تر نسبت به موقعیت‌های زندگی کمک می‌کنه.

راهکارهای تقویت تفکر انتقادی

- تقویت تیزبینی (می‌توان از افراد خواست به اطراف نگاه کنند و هر چه می‌بینند نام ببرند).
- تقویت حافظه (می‌توان در شرایط مختلف از کودکان خواست پیاد بیاورند، مثلاً صبحانه چه خورده اند، اول چه، بعد چه؟)
- حدس زدن (از آن‌ها بخواهید درباره اندازه‌ها حدس‌هایی بزنند و بعد با کمک خودشان آن‌ها را با ابزارهای اندازه گیری مجدد سنجید و با حدس آنها مقایسه کرد).
- بررسی کردن (با بررسی کالا موقع خرید و با کمک سوالاتی مثل: آیا آنچه می‌خریم مورد نیازمان است؟ آیا قیمت آن مناسب است؟ آیا می‌توان کالایی با قیمت بهتر و کیفیت بهتر پیدا کرد؟ به افراد ارزیابی کردن را می‌آموزیم).
- استفاده از نشان‌ها (می‌توان از افراد خواست تا به مشخصات شیئی که ما می‌گوییم گوش دهند و بعد با توجه به مشخصات، آن را نام ببرند).
- پرسیدن سوالات (از افراد بخواهید از والدین، بستگان و همسایگان درباره شغل‌شان سؤال کنند. چطور این مشاغل را انتخاب کرده اند؟ آیا از کاری که انجام می‌دهند لذت می‌برند؟)

نکات اصلی مهارت تفکر انتقادی عبارتند از:

- ✓ ادراک تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر ارزشها، نگرشها و رفتارها
- ✓ آگاهی از ناپرابری‌ها، پیشداوری‌ها و بی‌عدالتی‌ها
- ✓ واقف شدن به این مسئله که دیگران همیشه درست نمی‌گویند
- ✓ آگاهی از نقش یک شهروند مسئول

ایستگاه چهارم : گزیده ای از کتاب

حتماً نام این کتاب زیاد به گوش تان خورده. «چه کسی پنیر مرا چاپچا کرده؟» احتمال می‌دهم برخی از شما این کتاب را نخوانده باشید، اما همیشه در پرخورد با آن کنجکاو شده باشید که درباره چه موضوعی صحبت می‌کند. در صورتی که قهرمانان مدرسه این کتاب رو مطالعه کردند و ما به داشتنتشون افتخار میکنیم.

بازیگران این داستان، ۴ نفر موجود کوچک و عجیبند. ۲ موش معمولی و ۲ آدم کوچولو، که از هوش بیشتری نسبت به موش‌ها برخوردارند. این ۴ موجود داستان هر روز صبح در جستجوی غذای خود در راهروهایی پیچ در پیچ به کشت و گذار مشغول بودند. راهرویی با سوراخ‌های بزرگ، طولانی و گاهی پن‌بست. گویا با یک مار بزرگ سر کار دارند، اما غذای روزانه خودشان را از طریق جستجو در همین زمان می‌یابند.

اتصال چالپ داستان این است که هم موش‌ها و هم آدم کوچولوها غذایشان پنیر است و هر روز به دنبال پنیر می‌روند. از طرف دیگر موش‌ها پنیری ساده می‌خورند و آدم‌ها به پنیری دیگر علاقه دارند، و خلاصه هیچ‌وقت موش‌ها و آدم‌ها باهم بر سر یک پنیر دعوا نمی‌کنند.

موش‌ها نگاه متفاوتی نسبت به آدم کوچولوها به زندگی داشتند. آنها برای رسیدن به تکه‌های پنیر از مغز ساده‌ی خود و روش سعی و خطا استفاده می‌کردند. یکی یکی سوراخ‌ها را هر روز جستجو می‌کردند. همان سوراخ‌های دیروزی و سوراخ‌های جدید. گویا تجربه آنچنانی از دیروز نمی‌آموختند و مانند دیروز رفتار می‌کردند.

اما آدم‌ها از هوش خود بهره می‌بردند. به دنبال الگوهای تکرار شذنی می‌گشتند. قسمت‌هایی را علامت گذاری می‌کردند و هر روز با انگیزه‌ای متفاوت به راهکارهای جدیدی برای پیدا کردن پنیر دست پیدا می‌کردند...

چه کسی پنیر مرا چا به چا کرده؟ داستان دو موش وقتی با یک تغییر روپرو می‌شوند بهتر از دو انسان با مغزهای پیشرفته‌تر عمل می‌کنند. انسان‌ها با اینکه بسیار از موش‌ها باهوش‌ترند اما مسائل را بغرنج می‌کنند ...

شعرنامه

گفت دانایی: که گرگی خیره سر،
هست پنهان در نهاد هر بشر!
هر که گرگش را در اندازد به خاک،
رفته رفته می شود انسان پاک!
هر که با گرگش مدارا می کند،
خلق و خوی گرگ پیدا می کند...
اینکه مردم یکدگر را می درند،
گرگهاشان رهنما و رهبرند!
اینکه انسان هست این سان دردمند،
گرگها فرمان روایی می کنند!
این ستمکاران که با هم همراهند،
گرگهاشان آشنایان همنند!
گرگها همراه و انسانها غریب،
با که باید گفت این حال عجیب!